



# و اخلاقی شهید قاضی

## جنبه‌هایی از سیره مبارزاتی

غلامرضا گلی زواره

حوزوی را نزد والد دانشورش آموخت. آن‌گاه میرزا محمدحسین و حاج میرزا اسدالله قاضی که مرئیان فاضل و دل‌سوزی بودند، تربیت این نهال نوپا را پی گرفتند. این دو که عموهای سید محمد علی بودند، در شکل‌گیری شخصیت علمی و فکری او نقش مؤثری را ایفا کردند.<sup>۲</sup>

سید، نوجوان پانزد ساله بود که عازم مسجد اوّل بازار شیشه‌گرخانه گردید تا در آنجا علوم دینی را فرا گیرد. آن‌گاه به مدرسه طالیبه تبریز

تولد و تحصیلات مقدماتی میرزا باقر قاضی طباطبایی (۱۳۶۶ - ۱۲۸۵ق) که در منطقه آذربایجان مجتهدی وارسته و شخصیتی برجسته به شمار می‌آمد،<sup>۱</sup> در یک شنبه ششم جمادی الاولی ۱۳۳۱ ق دارای فرزندی گردید که نام محمدعلی را برایش برگزید.

محمدعلی هم‌زمان با پرورشهای عاطفی و اخلاقی، شش بهار را پشت سر نهاد، او برخی مقدمات دانشهای

۱. اعیان الشیعه، سید محسن امین، بیروت، (لبنان)، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۲ ق، ج ۳، ص ۵۵۳؛ ریحانة الادب، میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، تهران، خیام، ج چهارم، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۴۵.

۲. مختصری از تاریخ زندگی علامه شهید قاضی طباطبایی، محمد عاصفی، تبریز، انتشارات شفق، طبع اول، ۱۴۰۰ ق، ۱۳۵۸ ش، ص ۹.

رفت تا از پرتوهای ارزشمند استادان این مکان آموزشی و مذهبی بهره ببرد. او که با کنجکاوی و هوشیاری خاصی نسبت به مسائل اجتماعی و سیاسی حساس بود، راه و رسم ستیز با جهالت و مبارزه با جفاکاران را ضمن تحصیلات آموخت.<sup>۱</sup>

اولین تجربه تلخ مبارزه را در ایام مذکور درک کرد؛ زیرا هنگام خیزش اهالی تبریز علیه ستمهای رژیم پهلوی در سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۰۷ ش، علمای این دیار از خانه و کاشانه خویش آواره گردیدند و به نقاط دوردست فرستاده شدند، آقا میرزا باقر همراه پسر جوانش، سید محمدعلی، ناگزیر به اقامت اجباری و تبعید در تهران گردیدند. این کوچ اجباری و ناخواسته حدود دو ماه طول کشید، سپس آن دو به مشهد مقدس انتقال یافتند. بعد از یک سال که به زادگاه خود بازگشتند،

متوجه شدند که عوامل رژیم رضاخان خانه مسکونی آنان را تخریب و جزء خیابان قرار داده‌اند.<sup>۲</sup>

#### ادامه دانش‌اندوزی

سید محمدعلی مدت ده سال در تبریز، همچنان مشغول درس و بحث بود. در سال ۱۳۵۹ ق به قم رفت و «شرح منظومه» سبزواری و «اسفار» ملاصدرا و نیز خارج فقه و اصول را از محضر امام خمینی علیه السلام آموخت. و در ضمن استفاده‌های علمی و فکری از استادش، ارتباط عاطفی و پیوند صمیمانه‌ای با امام برقرار کرد. او در یکی از آثارش که «اللوامع» نام دارد، ضمن اینکه امام را در زمره افرادی برمی‌شمارد که از آنها اجازه روایت دارد، می‌افزاید: این شخصیت از مجاهدان بزرگ راه خدا می‌باشد.<sup>۳</sup>

۲. مجله پیام انقلاب، ۱۳۶۱/۸/۸، ش ۷۰، ص ۵۵-۵۴.

۳. بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی علیه السلام، سیدحمید روحانی (زیارتی)، قم، انتشارات اسلامی، ج اول، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۳.

۱. کاروان علم و عرفان، غلامرضا گلی‌زواره، قم، حضور، ج اول، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۲۴۸.

برای مرحوم شیخ محمدحسین کاشف الغطاء احترام ویژه‌ای قائل گردید، و با آن آقایانوس فقه و معرفت انس و الفت برقرار کرد و در احیای آثار او تلاشهای ارزشمندی از خود بروز داد. مرحوم کاشف الغطاء در یکی از نامه‌هایش خطاب به شهید قاضی نوشته است:

«ای سید والا مقام و دانشمند محترم و بزرگوار! از اکنون چنین می‌نگرم که مردم آذربایجان به طور عموم، اهالی تبریز خصوصاً، از هدایت‌گریهای شما استفاده می‌کنند و چه زود است که اثرات خدمات و تلاشهای ارزنده شما، در یاری حق و نابودی باطل محسوس و قابل لمس می‌باشد. در یاری حق چه کسی از شما بهتر است؟ پدر روحانی شما محمدحسین.<sup>۲</sup>»

او در سالهای سیاه اختناق، نام امام و مرادش را با الفاظی چون «مرجع اکبر و اشهر» در جهان اسلام فریاد زد و در فرصتهای مقتضی به بیان دیدگاههای ایشان پرداخت. شهید قاضی در قم محضر مراجعی چون: سید صدرالدین صدر، حجت کوه‌کمره‌ای و گلپایگانی<sup>۱</sup> را در علوم نقلی درک نمود.

شهید قاضی در ۱۳۶۹ ق راهی عراق گردید و در شهر نجف اقامت گزید و در حوزه درسی این دیار، محضر مراجع و اساتیدی چون آیات عظام: سید محسن حکیم، سید عبدالهادی شیرازی، کاشف الغطاء، شیخ عبدالحسین رشتی، حاج میرزا باقر زنجانی و میرزا حسن بجنوردی را غنیمت شمرد و این برنامه سه سال به طول انجامید. در میان این بزرگان،

۲. الفردوس الاعلی، محمد حسین کاشف الغطاء، با تعلیقات شهید قاضی طباطبایی، تبریز ج دوم، ۱۳۳۲ ش، پاورقی، ص ۶۴.

۱. مجلس نشین قدس، علی اصغر شمر دوست، قم، نشر دانش اسلامی، ج اول، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۴-۲۳.

شهید قاضی در نجف و قم موفق گردید از بیست مجتهد بزرگ و پرآوازه، اجازه روایت و اجتهاد دریافت کند و با کوله‌باری از دانش و تقوا به تبریز بازگشت و در حالی که چهل و دو بهار را می‌گذرانید، امام جماعتی مسجد مقبره تبریز را پذیرفت.

#### عرصه‌های مبارزاتی

آن فقیه مجاهد به موازات فعالیت‌های تبلیغی، آموزشی، فرهنگی و تحقیقاتی، در مسائل سیاسی و اجتماعی کوشا و تأثیرگذار بود. در قیام سال ۱۳۴۲ ش که مردم تبریز نیز حضوری حماسه‌آفرین داشتند، رهبری مبارزات، راهپیماییها، افشاگریها، باز و بسته بودن بازارها و خیابانها تا حدود پانزده روز و اجتماعات بزرگی که ترتیب داده می‌شد، به عهده شهید قاضی بود.

شدت روشنگریها و مبارزات وی در نهضت امام خمینی علیه السلام به حدی رسید که بین سالهای ۱۳۴۲ و

۱۳۴۳ ش سه بار دستگیر شد و تحت مراقبت شدید ساواک قرار گرفت.<sup>۱</sup> در سالهایی که بُردن نام امام در سخنرانیها و دیگر محافل ممنوع بود، آن شهید آشکارا در بیانات خویش، نام رهبر کبیر انقلاب را بر زبان جاری می‌ساخت. از همان سال ۴۲ از مردم خواست که از امام خمینی به عنوان مرجع تقلید خویش پیروی کنند و در همین ایام بحث ولایت فقیه را مطرح ساخت.

نقش این شهید در هدایت مبارزات مردم و روحانیان آذربایجان و خصوصاً تبریز به درجه‌ای رسید که او را «خمینی دوم» یا «خمینی آذربایجان» نامیدند. مردم مسلمان این خطه به دلیل شناختی که از مقام علمی، تقوا، و آگاهی وی داشتند، توصیه‌هایش را اجرا می‌کردند. تظاهرات ضد رژیم بدون هماهنگی و برنامه‌ریزی او انجام نمی‌شد.<sup>۲</sup>

۱. مجلس نشین قدس، ص ۸۵ و ۹۴.

۲. مصاحبه با آیت الله بنی‌فضل، پیام انقلاب، هفتم

آبان ۱۳۶۲، ش ۹۶، ص ۴۰.

سازمان امنیت، هر لحظه و هر شب اقدامات شهید قاضی را زیر نظر داشت و از سخنرانیها، موضع گیری و سایر فعالیتهايش گزارشهای دقیقی تهیه می کرد. پرونده چهار جلدی ساواک که درباره وی تنظیم گردیده است، مدرک مستندی برای چنین ادعایی می باشد.

در عید سعید فطر که با آذر ۱۳۴۷ ش مقارن بود، شهید قاضی در خطبه های نماز خاطر نشان ساخت که تمام مشکلات مسلمانان را آمریکاییها و صهیونیستها پدید آورده اند. از شاه و مزدورانش انتقاد کرد و حمایت آشکار خویش را از خیزش مردم مسلمان به رهبری امام خمینی علیه السلام اعلام نمود. به دلیل این سخنرانی افشاگرانه، ساواک وی را برای مدت شش ماه به شهر بافت، از توابع استان کرمان تبعید کرد. با رحلت آیت الله سید محسن حکیم که شهید قاضی نمایندگی ایشان را در آذربایجان عهده دار بود و نفوذ مردمی وی را تقویت می کرد، نبودن

امام در ایران و نیز رحلت آیت الله میلانی، شرایط برای آن فقیه مبارز بسیار سخت تر شد و برخی روحانی نمایان محلی در جهت تضعیف جبهه حامیان امام خمینی کوشیدند و آن سید مجاهد را در تنگناهای شدیدی قرار دادند.<sup>۱</sup>

با نزدیک شدن اربعین شهدای قم، مراجع بزرگ و علمای شهرهای گوناگون جنایات دستگاه ستم را برشمردند و مردم را برای برگزاری هر چه باشکوه تر مراسم یاد بود قیام نوزده دی ۵۶ قم فرا خواندند.

شهید قاضی در آذربایجان با هم فکری فقهایی چون آیت الله سیدحسن انگجی، ضمن اعلامیه ای، مردم سلحشور این سرزمین را به شرکت در مراسم اربعین شهدای قیام قم دعوت کرد و به دنبال آن در سه شنبه ۲۹ بهمن ۵۶ مردم غیرتمند آذری به سوی مسجد جامع میرزا یوسف حرکت

۱. یادواره شهید قاضی، (ویژه نامه جمهوری

اسلامی)، ۱۱/۱۳۶۲/۸، ص ۲-۳.

### غیرت دینی و صلابت معنوی

غیرت مذهبی شهید قاضی چنان قوی بود که در پاسخ دادن در برابر اتهامات، شبهه‌ها و امور خلاف ارزشهای دینی و مقدسات اسلامی، کم‌ترین تردید به خود راه نمی‌داد. وقتی فرهنگ تشیع مورد تهاجم قرار می‌گرفت، به شدت برمی‌آشفته و چون آتشفشانی خشمش فوران می‌کرد؛ اما این عصبانیت موجب نمی‌گردید که پاسخ مخالفان و دشمنان را سطحی و دور از برهان و مدرک بدهد؛ بلکه پاسخهایش قاطع، به جا، سنجیده و مستند بود.<sup>۲</sup>

در راه احیای میراث معنوی اسلام و ترویج مذهب اثنی‌عشری با شجاعت، با صلابت و استوار بود. وقتی حق را تشخیص می‌داد و اراده می‌نمود که در این راستا بکوشد و به مبارزه، دفاع و مقاومت برخیزد، هیچ توفانی قادر نبود در غرضش تزلزلی

کردند تا در این مراسم باشکوه حضور یابند.

عوامل ساواک و شهربانی با آرایش کامل نظامی جلوی مردم صف کشیدند و به متفرق نمودن آنان اقدام کردند که با مقاومت و شجاعت اقشار گوناگون مواجه شدند و مردم تبریز با تقدیم چندین شهید در این اربعین، حماسه‌ای جاویدان را رقم زدند.

قاضی طباطبایی هیچ گاه مردم را در مبارزه رها نکرد، در یکی از سالها، وقتی تعداد قابل توجهی از کارگران کارخانه‌های ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز برای مقابله با استبداد دست از کار کشیدند، مقدار قابل توجهی پول تهیه کرد و به حساب این افراد واریز نمود. در اقدامی دیگر، از مردم خواست که در شبانه روز، از یک وعده غذای خود صرف نظر کنند و مبلغ آن را به حساب کارگران اعتصاب کرده واریز کنند.<sup>۱</sup>

۲. زندگی و مبارزات شهید قاضی طباطبایی، رحیم نیکبخت و صمد اسماعیل‌زاده، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ج اول، ۱۳۸۰، ص ۱۴۳ و ۱۴۸.

۱. شهید قاضی طباطبایی، رضا رسولی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش وزارت آموزش و پرورش، ج اول، ۱۳۸۳، ص ۲۳-۲۱.

جلسه حضور داشتند، سرتیپ حسن مهرداد، رئیس ساواک آذربایجان، در صدد گردید مطالب موهنی علیه امام خمینی علیه السلام مطرح کند، سکوت آمیخته به خوف بر آن جلسه حاکم بود. و اختناق شدید پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بر آن جلسه سایه افکنده بود و اگر کسی کوچک‌ترین مخالفتی می‌کرد، مجازاتش تبعید، حبس و شکنجه بود؛ اما شهید قاضی این اهانت آشکار را برنتافت و با شجاعت و صلابت از جای خویش برخاست و صندلی را برداشت تا بر سر رئیس ساواک بکوبد که مأمورین مانع این کار شدند.<sup>۱</sup>

اگرچه فروتنی شهید قاضی در برابر اقشار گوناگون نمونه بود؛ ولی برای مقامات رژیم ستمگر پهلوی هیچ ارزشی قایل نبود و اگر بالاترین مدیر استان در جلسه می‌خواست در کنارش بنشیند، نسبت به او بی‌اعتنایی نموده و برایش جایی باز نمی‌کرد.

پدید آورد. در این مسیر او تحت فشار عوامل رژیم استبدادی، برخی درباریها، مرتجعین و اندیشه‌های منجمد و حرکات رشک‌آلود بود و افرادی در جهت ترور شخصیت و حذف او می‌کوشیدند.

حتی در مجالس و محافل که علما تشکیل می‌دادند، تصمیم گرفتند جلو پایش برنخیزند و به وی احترام نگذارند و به او جای ندهند؛ اما این اقدامات در روحیه سلحشوری، مقاومت و ایستادگی او اثرنگذاشت. البته قاطبه علما و روحانیان منطقه برای دانش، فضیلتها و شجاعت شهید قاضی احترام قائل بودند.

در سال ۱۳۴۳ ش ساواکیها خواستند بر حسب ظاهر یک نوع توافقی با روحانیت بوجود آورند، برای عملی ساختن این مقصد آمیخته به نیرنگ، جلسه‌ای در محل اتاق بازرگانی تبریز تشکیل گردید و برخی مشاهیر روحانی شهر نیز دعوت شدند. استاندار وقت، رئیس ساواک، فرماندهان نظامی و انتظامی هم در آن

۱. مصاحبه با حجت الاسلام نجف آقازاده، ضمیمه کتاب تنهایی و پایداری، ص ۸۰-۷۹.

هم اطاعت کردم و با وی ارتباط برقرار کردم. آیت الله قاضی، گوشی را از من گرفتند و خطاب به وی فرمودند: آیا شما به خاطر یک قلدر می‌خواهید کشور را به آتش بکشید و افزود: شما شانس داشته باشید که من تا صبح زنده نمانم، اگر صبح فرا برسد، کفن می‌پوشم و در جلوی مردم به خیابان می‌آیم. شما با تانکهایتان و ما هم با کفنهایمان. ببینم کار به کجا می‌کشد.

فرماندار نظامی از تهدید تلفنی و اقتدار شهید قاضی احساس هراس نمود و به آقا قول داد که هم اکنون به پادگان می‌روم و جلوی حرکت تانکها را می‌گیرم و چنین هم شد.<sup>۲</sup>

#### جویبار عاطفه

آیت الله قاضی اداره خانواده‌ای هفت نفره را عهده‌دار بود، او نسبت به اهل خانه‌اش از هرگونه اظهار محبتی دریغ نداشت، وجودش برای فرزندانش توأم با آرامش و امنیت

یک بار در مسجدی برای یکی از درباریان فوت شده مجلس ترحیمی برگزار کرده بودند و برای اجرای این مراسم راههای منتهی به این مکان را بستند، وقتی شهید قاضی می‌خواست از آنجا عبور کند، افسری از شهربانی جلو آمد و گفت: آقا! نمی‌توانید از اینجا بروید. آن مجاهد شهید خطاب به وی گفت: از جلوی من دور شو! با آن مأمور چنان رفتاری کرد که ترسید و کنار رفت.<sup>۱</sup>

هنگام حکومت نظامی سال ۱۳۵۷ ش تعدادی تانک از پادگانهای قزوین به تبریز آورده بودند تا بدین وسیله برخی منازل و اماکن را هدف گلوله قرار دهند و بین مردم رعب و هراس بوجود آورند تا از خوف جان و از دست دادن خانه و کاشانه در تظاهرات شرکت نکنند. حجت الاسلام والمسلمین میرزا نجف آقا زاده می‌گوید: شهید قاضی به بنده فرمودند که با فرماندار نظامی تماس بگیرم. من

۲. تنهایی و پایداری، ص ۸۰ و ۸۱.

۱. مجله پیام انقلاب، ش ۹۶، ۱۳۶۲/۸/۷، ص ۴۰.



و شعائر اسلامی از سوی افراد بود؛ البته ستارهٔ اخلاص، ایمان و معنویت این مرد بزرگ چنان بر خانه‌اش در حال پرتو افشانی بود که دیگر نیازی دیده نمی‌شد که اهل خانه برای اقامه نماز و انجام دیگر واجبات الهی سفارش شوند.

هر چند وقت یک بار شهید قاضی نور دیده‌های خود را فرا می‌خواند و ضمن پند و اندرز، راه و رسم زندگی را از دیدگاه قرآن و سنت نبوی و مرام علوی به آنان آموزش می‌داد. در هر محفل و مجلسی فرزندان را به احترام و تکریم مادرشان سفارش می‌کرد و بارها تأکید می‌نمود که مادرتان در حق شما زحمتهای طاقت فرسایی تحمل کرده است و کم‌تر بانویی دیده می‌شود که اینگونه با سختیها و دشواریها کنار بیاید، قدرش را بدانید و نسبت به او رؤوف و فروتن باشید!

هنگامی که دور از خانه در تبعید به سر می‌برد، طی نامه‌هایی که برای فرزندان خود می‌نگاشت، آنان را به

روانی بود. هرگز با همسر و اولادش به درشتی و خشونت رفتار نکرد. اگرچه فشارهای سیاسی - اجتماعی و ناملایمات فراوانی را تحمل می‌کرد؛ ولی عوارض این گرفتاریها و آسفتگیها را به منزل نمی‌برد و با سیمایی آرام، شاد و با نشاط به خانه گام می‌نهاد، گویی که هیچ اتفاقی برایش روی نداده است.

برخورد فروتنانه و محترمانه‌اش با اهل خانه که با نوعی خردمندی و رفتاری حکیمانه توأم بود، آنان را برای رعایت فضایل اخلاقی و کرامتهای انسانی راغب می‌ساخت. او هیچ‌گاه در برابر کردار و رفتارهای فرزندانش واکنشهای عجولانه نشان نداد و مشی توأم با بردباری را در این عرصه پیش گرفت.

تنها موضوعی که بیش‌تر مورد توجه و تأکید این پدر پارسا و مریی مهذب اخلاق بود و در صورت لزوم - با رعایت افراد خانه - تذکر می‌داد، انجام وظایف شرعی و حفظ شئونات

الصلوة باشید، هیچ چیز به اندازه نماز آدمی را به خدا نزدیک نمی‌کند.<sup>۲</sup>

### شرازه‌های شوق

شهید قاضی به پیوستگی نسبی با خاندان عترت اکتفا نمی‌کرد و از طریق تزکیه درون و آراستن دل و ذهن به معنویت، خانه وجود را برای تابش انوار اهل بیت علیهم‌السلام مهیا ساخت. این روند یک نوع معرفت قلبی را برایش به ارمغان آورد که در جهت‌گیری سیاسی و اجتماعی او بسیار مؤثر بود. در واقع حبّ امام تبلور تصمیم‌گیریه‌ای او در میدان فکر، رفتار و موضع‌گیریه‌ها بود.

۲. زندگی‌نامه آیت الله قاضی طباطبایی در مصاحبه با سیدمحمدتقی قاضی، ویژه‌نامه بزرگداشت سالگرد شهادت اولین شهید محراب حضرت آیت الله قاضی طباطبایی، تبریز، آبان ۱۳۸۰، ص ۱۳ - ۹؛ گفت و شنود با حجة الاسلام سید محمد تقی قاضی (فرزند شهید) مندرج در کتاب تنهایی و پایداری، حسین نجفی، تبریز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی، ج اول، بهار ۱۳۷۹، ص ۹۳-۹۲.

رعایت احترام مادر و احسان به او فرا می‌خواند.<sup>۱</sup>

### پیر پارسا

شهید قاضی به نماز اوّل وقت تأکید ویژه‌ای داشت و در هر شرایطی نمازهایش را اوّل وقت اقامه می‌نمود. نماز شب، تهجد و شب زنده‌داری را به هیچ بهانه‌ای ترک نمی‌کرد و قبل از طلوع فجر بستر استراحت را ترک می‌کرد و خود را برای اقامه نوافل مهیا می‌ساخت. فرزندش در این باره می‌نویسد:

«مرحوم آقا قبل از اذان صبح و سحرگاهان صلوة اللیل را می‌خواند؛ حتی یادم هست دعاهای ویژه‌ای را که اهلش می‌خوانند، می‌خواند و از درگاه الهی برای اهل ایمان مغفرت و رحمت طلب می‌کرد. همیشه مرحوم والد تأکید می‌کرد بر نمازهای خود مراقبت کنید و توصیه می‌نمود کثیر

۱. قاضی طباطبایی قلّه شجاعت و ایثار، [دیدار با ابرار، ج ۴۰]، محمد ابراهیم‌نژاد، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ج اول، ۱۳۷۳، ص ۱۰۸-۱۰۷.

کوله‌باری گران سنگ از فقه، اصول، حدیث، رجال، حکمت و عرفان، محو در ائمه اطهار علیهم‌السلام بود.

مدام احادیثی مستند را زینت بخش کلام جذّاب و شیوای خود قرار می‌داد؛ حتی در گفتارهای عادی می‌کوشید با نقل روایت‌هایی، اظهارات خود را نورانی و استوار نماید.

هرگاه بر فراز منبر قرار می‌گرفت، امکان نداشت خاتمه کلامش را با ذکر مصائب خاندان عصمت علیهم‌السلام زینت ندهد. تألیف کتاب ارزشمندی چون «تحقیق» دربارهٔ اوّل اربعین حضرت سید الشهداء علیه‌السلام گواه آن است که او حتی توانایی‌های تحقیقاتی را در این راستا به کار می‌گرفت.

آن‌گاه که با سرشک و اشک از مظلومت شهید سخن می‌گفت، در واقع روح مبارزه را در جانهای شیفته می‌دمید. محراب و منبر مسجد شعبان تبریز هنوز انعکاس صدای او را به یاد می‌آورد که با فریاد فرح‌زای «یا بن الزهراء علیها‌السلام» و پیوستگی با حماسهٔ

هر کس و هر صنف که موضوع یا مسئله‌ای را بر خلاف مذهب اهل بیت علیهم‌السلام در نوشته‌ها و سخنرانیها مطرح می‌کرد، مرحوم قاضی را به شدت به خروش، جنبش و جوشش وادار می‌کرد و با شدت تمام و صلابتی ویژه، در مقابل آن جریان موضع‌گیری می‌کرد و از طریق بیانات مستدل، نوشته‌های معتبر و مستند روایی و تاریخی، حقانیت اهل بیت علیهم‌السلام را به اثبات می‌رسانید. از کتب و آثارش این دفاع خالصانه که توأم با شور و شوق است، دیده می‌شود.<sup>۱</sup>

اگر کسی به شخص وی اسائه ادبی می‌کرد، به راحتی او را عفو می‌نمود؛ ولی در برابر بی‌احترامی به ساحت مقدس خاندان عترت علیهم‌السلام هیچ‌گونه اغمازی نداشت. او طبع لطیف و ذوق شعری را نیز در مدح و منقبت اهل بیت علیهم‌السلام به کار گرفت و با

۱. گفت و شنود با حجة الاسلام سید محمد تقی

قاضی؛ کتاب تنهایی و پایداری، ص ۹۳.

«چند روزی به حضرت رضا علیه السلام توسل نمودم و در حرم مطهر پشت سر مبارک می‌نشستم و منظورم این بود که می‌خواستم در موضوع علم امام توجهی از آن حضرت بشود و در این باره باورم مستحکم گردد، و از قرآن مجید برایم حقیقت مزبور کشف گردد.

چند روزی بر این منوال گذشت و به توسل خود ادامه دادم، تا آنکه روزی در همان مکان مقدس در تفکر بودم، گویا به قلبم الهام گردید در موضوع مسئله علم پیامبر و امام علیه السلام آیه شریفه تطهیر کفایت می‌کند و به موجب مفاد آن، جهل به وجود مبارک آن حضرات راه نمی‌یابد.<sup>۲</sup>

#### ویژگیهای فردی

آن عالم عامل آنچنان از معنویت معارف قرآنی و روایی تأثیر پذیرفته

عاشورا نفرت خویش را از ستمگران عصر آشکار می‌ساخت. طنین کلام دل‌نشین زیارت وارث آن مرحوم هنوز گوشه‌های رهروانش را می‌نوازد و اشتیاق آن شهید عزیز هنوز حرارت‌بخش مجالس سوگواری اهل بیت علیهم السلام می‌باشد.<sup>۱</sup>

قبل از آنکه شهید قاضی به حوزه نجف اشرف برود، در فراگیری مباحث کلامی ذوق وافری داشت؛ از آن جمله، در موضوع علم امام و پیامبر صلی الله علیه و آله، به مطالعاتی روی آورد و چون مسیر عادی و متداول، وی را قانع نکرد، به دامن اهل بیت علیهم السلام دست توسل زد و از آل اطهار علیهم السلام در این باره استمداد طلبید. سالی در ایام تحصیل توفیق زیارت آستان قدس رضوی نصیب وی گردید و مدتی را در جوار این بارگاه انور گذرانید و به درس جمعی از اساتید می‌رفت تا از هر خرمنی خوشه‌ای برچیند، خودش ماجرا را چنین نقل می‌کند:

۲. این ماجرا را شهید قاضی طی نامه‌ای برای شهید دستغیب نوشتند که در جلد دوم پرونده وی که توسط ساواک تنظیم گردیده، آمده است.

۱. مجلس‌نشین قدس، ص ۱۰۳-۱۰۲.

آشنایان و مراجعین، مسایل اخلاقی را کاملاً رعایت می‌کرد؛ بلکه در میان اهل خانه قبایی ساده بر تن می‌نمود و عرقچینی بر سر می‌نهاد و هرگز سر برهنه نمی‌نشست.

آن فاضل گرانمایه تا بدان حد مقید به انجام مستحبات بود که حتی در خوردن و آشامیدن، از سفارشهای بهداشتی و طبّی اسلام غفلت نمی‌کرد و افراد خانواده و اطرافیان را به رعایت این نکات و امور مستحبی سفارش می‌نمود؛ تا زمانی که گرسنه نمی‌گردید، لب به غذا نمی‌زد و قبل از آنکه سیر گردد، از خوردن دست می‌کشید. با این حال غذا را با شتاب نمی‌خورد و درنگ در این کار را لازم می‌دید. قبل از برخاستن از سر سفره خداوند را سپاس می‌گفت. در صورت امکان صبحها قبل از صرف صبحانه یک عدد سیب می‌خورد و فوایدش را برای افراد برمی‌شمرد.

وقتی کسی در حال سخن گفتن بود، میان سخنانش حرف نمی‌زد و با دقت به اظهاراتش گوش می‌داد؛ اگرچه آن گوینده کودک بود. اگر

بود که تمام حالات، رفتار، ارتباطها و برخوردهایش ریشه در موازین شرعی و دینی داشت. در لباس پوشیدن، کفش به پا کردن، غذا خوردن، طرز نگه‌داری وسایل و امکاناتی که در اختیارش بود و حتی طرز مطالعه و چگونگی حفاظت از کتاب و کتابخانه، نوشتن، یادداشت برداری و خلاصه نویسی، نظم، نظافت و برنامه ریزی را مراعات می‌کرد و اصولاً این ویژگیها به عنوان خصال اصلی وی در میان خانواده و خویشاوندانش یک ضرب‌المثل بود.

به هنگام آماده شدن برای شرکت در مجالس عمومی و محافل خصوصی و نیز موقع تدریس و تبلیغ، شخصاً لباس خویش را مرتب می‌کرد. تا آخر مجالس چهارزانو می‌نشست، مراقب بود که مبادا عبا از دوشش بیفتد. چنانچه برخی دوستانش نقل کرده‌اند، ما متوجه نمی‌شدیم که شلوار آقا چه رنگی دارد. برایش کهنه و نو بودن جامه اهمیت نداشت؛ اما به تمیزی و پاکیزگی لباس توجهی خاص نشان می‌داد. نه تنها در میان دوستان،

کسی سؤالی یا موردی از ایشان نمی‌پرسید، او نیز خاموش بود.

به دانستن و کشف حقیقت اشتیاق ویژه‌ای داشت و شیفته کاوش در منابع گوناگون بود و در هر شرایطی در پی یافتن حقایق ناب، ساعتها به مطالعه مشغول می‌گردید و در این راستا خسته نمی‌شد، خودش بر این باور بود که گشت و گذار در بوستانهای معرفت و اندیشه، نه تنها ملال انگیز نمی‌باشد؛ بلکه به بُعد حقیقت جویی آدمی طراوت می‌بخشد و اذهان را شکوفا می‌سازد.

احترام به بزرگ و کوچک از دیگر خصال وی بود؛ حتی یک نفر که تازه مشغول خواندن «امثله» و «صرف‌میر» بود، با یک شخصیت بلند آوازه علمی، از دیدگاه او، در این باره تفاوت نمی‌کرد.

و اگر شخصی به محضرش می‌رسید، آقا فوراً با تمام قد و قامت از جایش بلند می‌شد و با نوعی نشاط و تکریم، او را احترام می‌کرد. در این باره بین دوست و دشمن تفاوتی قائل نمی‌گردید.

اگر افرادی با ایشان در مرامهای سیاسی و مسائل اجتماعی اختلاف سلیقه داشتند و یا پشت سرش یاوه‌گویی کرده بودند یا در جایی کم احترامی نموده بودند، وقتی به منزل آقا می‌آمدند و یا در محفلی که وی حضور داشت وارد می‌شدند، شهید قاضی تمام آن نارواییها را فراموش می‌کرد و نادیده می‌گرفت و از جای خود برمی‌خاست و تازه وارد را احترام می‌نمود و درباره زندگی و اوضاع اقتصادی و رفاهی وی احوالپرسی می‌کرد.<sup>۱</sup>

### خلق و خوی اجتماعی

توجه به افراد جامعه، رعایت حال محرومین و رنج دیدگان از سوی آیت الله قاضی، در باورهای اساسی ریشه داشت. یکی اینکه به برکت ذکر، دعا، تهجد و نیایشهای عارفانه، انواع تعلقات فناپذیر را از خود دور ساخته

۱. زندگی‌نامه آیت الله قاضی طباطبایی در مصاحبه با سید محمد تقی قاضی، ص ۱۰-۹؛ قاضی طباطبایی قله شجاعت و ایثار، ص ۱۱۱-۱۱۰؛ تنهایی و پایداری، ص ۹۳-۹۲.

گرفته بود که نمی‌توانست فارغ از دردها و رنجهای دیگران برای خود زندگی بدون دغدغه‌ای تدارک ببیند.

وظیفه سنگین حمایت از مظلومان و محرومان، مبارزه با ستمگران، یاغیان و اشرار، امر به معروف و نهی از منکر، اهتمام به امور مسلمین، سود رسانی به جامعه و تلاش برای ایجاد انسجام و اتحاد در جامعه اسلامی، از جلوه‌ها و ثمرات روح مسئولیت‌پذیری آن شهید والا مقام بوده است.

آن متفکر وارسته به ساده‌پوشی و ساده‌زیستی التزام عملی داشت و بر خلاف تواناییهای مادی، در سطح بسیاری از مردم عادی و حتی محرومان می‌زیست. از اشرافیت، تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی گریزان بود و از نزدیک با مشکلات و آلام مردم مأنوس بود. افراد کم‌بضاعت و مستضعف به راحتی می‌توانستند با او ارتباط برقرار کنند. در خانه‌اش به روی همه باز بود. همه بدون مانع به محضرش می‌رسیدند و به درد دلها و

بود و این ویژگی برایش نوعی آزادگی معنوی و تعالی روحی به ارمغان آورده بود.

دوم اینکه به برکت سلوک معرفتی و تضعیف تمایلات نفسانی، فضایی در وجودش به شکوفایی رسید که بر اساس آنها، از دایره خویشتن قدم فراتر نهاد و بذره‌های محبت، فداکاری، عفو، بذل و بخشش، تعاون و همکاری، هم‌دردی، دل‌سوزی و غمگساری در جامعه افشانیده بود.

سوم آنکه آیت الله قاضی بر اساس نگرشی که از منابع اصیل شیعه بدست آورده بود، برای انسانهای پیرامون خود نوعی کرامت و منزلت قائل بود و عقیده داشت که ما موظف هستیم برای حفظ شئون ذاتی افراد تلاش کنیم.

چهارم آنکه شهید قاضی به دلیل شکوفا ساختن کمالات در قلب و ذهنش، بین سرنوشت و سعادت خود با بهروزی و آرامش دیگران پیوندی عمیق احساس می‌نمود. روح احساس مسئولیت چنان در وجودش قوت

بعد از گذشت پانزده سال، از یاد نبرده بود.<sup>۲</sup>

آن مرد میدان تقوا، به وفاداری در دوستی و پای‌بندی به قول و قرار و حاضر شدن در موعد مقرر بسیار اهمیت می‌داد. با هر کس رفت و آمد داشت تا آخر در رفاقت خود پابرجای می‌ماند. هیچ‌گاه حق نان و نمک را از یاد نمی‌برد و حق دوستی را ضایع نمی‌کرد. به کسی اجازه نمی‌داد دستش را ببوسد و اگر فردی به این قصد دستش را می‌گرفت، به شدت خود را عقب می‌کشید. اگر در فرصتی بر مخالف خویش غلبه می‌یافت، اصل رأفت اسلامی را در نظر می‌گرفت.<sup>۳</sup>

سرهنگ سلیمی که از ساواکیهای تبریز بود، در تهران دستگیر شد. او از بازداشتگاه خود، نامه‌ای برای شهید قاضی نوشت و از وی تقاضای عفو

شرح گرفتاریها می‌پرداختند و او هم در حدّ توان گره‌گشایی می‌نمود. او موفق گردید بیش از دویست خانواده بی‌نوا و کم بضاعت را صاحب خانه نماید. ضمن اینکه خود اینگونه درباره محرومان اهتمام می‌ورزید، اطرافیان را به یاری مستمندان تشویق می‌کرد و اصولاً او از بنیان‌گذاران اصلی هیأت حمایت از مستمندان تبریز به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup>

شهید قاضی حق‌شناس و قدردان افراد بود و نیکیها را هر چند اندک بود، بزرگ جلوه می‌داد و فراموش نمی‌کرد. با سخاوت تمام درصدد بود رفتار خوب اشخاص را مورد تقدیر و تشکر قرار دهد. مرحوم غنی‌زاده،

مدیر روزنامه «افتخار ملی» تبریز نقل کرده است: آیت الله قاضی خدمتی را که وی در حقش انجام داده بود، حتی

۲. روزنامه افتخار ملی، ش ۳۰۰، ۱۹/۸/۱۳۷۰.

ص ۴۱.

۳. زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی،

ص ۱۴۷.

۱. زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی

طباطبایی، ص ۱۴۷ - ۱۴۵.



نمود و درخواست کرد در تبریز به پرونده‌اش رسیدگی شود. شهید قاضی، نامه و شرحی را که درباره آزار و اذیت سلیمی، نسبت به خود گزارش نموده بود، به دادسرای انقلاب اسلامی تبریز ارسال داشت و خاطرنشان ساخت که اینجانب شخصاً نسبت به خودم (با وجود این آزارها) در مقام انتقام‌جویی از نامبرده نمی‌باشم. موقعیت اینجانب اجل از آن است که با امثال ایشان از باب انتقام گرفتن وارد شوم؛ بلکه جزای آن اذیتها را به منتقم حقیقی واگذار می‌کنم و شخصاً از حق مشروع خود می‌گذرم و عفو و اغماض را پیشه خود می‌سازم.<sup>۱</sup>

#### میهمان قدسیان

سرانجام انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام به پیروزی رسید و پس از این تحول سترگ، تلاشهای شهید قاضی نه تنها کم نگردید؛ بلکه مضاعف گشت.

با طلوع صبح صادق انقلاب، از نخستین اقداماتی که صورت گرفت، برپا کردن نماز جمعه بود. امام خمینی علیه السلام در مرداد سال ۵۸ ش. طی حکمی آیت الله قاضی را به عنوان نماینده تام‌الاختیار خویش و امام جمعه تبریز منصوب نمود. اولین نماز جمعه‌ای که ایشان در تبریز اقامه نمود، روز جمعه ۲۳ رمضان المبارک سال ۱۳۹۹ مصادف با ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ (روز جهانی قدس) بود. مهم‌ترین تلاش ایشان در این دوران، ایجاد امنیت و ثبات، تحرک بخشیدن به سازندگیها، رفع کدورتها و کاستیها و نظارت بر حفاظت از امکانات عمومی بود.

شهید قاضی در راه‌اندازی و فعال کردن کمیته‌های انقلاب اسلامی تلاش چشمگیری انجام داد. احداث و بازسازی مساجد و مراکز فرهنگی و تبلیغی از دیگر تلاشهای وی می‌باشد. ساخت مساجد «طوباییه»، «ارزیل» در روستای ارزیل، «امام حسین علیه السلام» در آخر کوچه باغ تبریز، «آیت الله حکیم»

۱. روزنامه رسالت، ش ۱۳۹۴، ص ۴.

آمد و آن فاضل گرانمایه و دانشمند را به شهادت رسانید. و برگ سیاه دیگری بر پرونده گروهک فرقان افزود. پیکر غرق در خونش روز بعد، بعد از تشییعی باشکوه در «مسجد مقبره» به خاک سپرده شد. امام خمینی علیه السلام بدین مناسبت پیامی صادر فرمود و ضایعه شهادت آیت الله قاضی را به عموم علمای اعلام و مردم غیور و مجاهد آذربایجان و خصوصاً بازماندگان این شهید سعید تسلیت گفت.<sup>۱</sup>

در خیابان کمربندی، تجدید بنای مسجد شعبان، واقع در اول خیابان تبریز و نیز احداث حسینیه امام حسین علیه السلام از مهم ترین اقدامات او در این زمینه به‌شمار می‌رود.

مدتها بود که شهید قاضی به قتل تهدید گردیده بود و او به اطرافیانش گفته بود، «اینها تصور می‌کنند من از مرگ هراس دارم؛ والله که آرزویم رسیدن به فیض شهادت است و کاش بنده هم، مثل آیت الله شهید مطهری به این مقام برسم.»

روز دهم آبان سال ۱۳۵۸، مقارن با عید سعید قربان، شهید قاضی در پیشاپیش صفهای به هم پیوسته امت مسلمان و سلحشور تبریز نماز عید قربان را خوانده و در خطبه‌هایش از خصومتها و بدخواهیهای ضد انقلاب و خط نفاق پرده برداشت. غروب همان روز، بعد از اقامه نماز مغرب و عشا در مسجد شعبان، هنگامی که با همراهان عازم خانه بود، دستی پلید از آستین آلوده به خیانت و نفاق بیرون

۱. صحیفه امام علیه السلام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج سوم، ۱۳۷۸، ج ۱۰، ص ۲۲۰.